

جام جم

JAM-I-JAM

by

Sayyid Ahmad Khan

Folios	:	27
Subject	:	History India
Illustrated/Illuminated	:	-
Script	:	Nastaliq
Scribe	:	-
Date of transcription	:	1266 A.H.
Condition	:	Good
HL No. 145	:	Cat No. 595

Chronological tables of forty-three kings of Dihli and Emperors of India, from the time of Timur to the date of composition, A.H. 1255 = A.D. 1839.

Beginning:

از انجا كه گل زمين خيز البقاع دهلي الخ

The body of the text consists of eleven sheets, each of which comprises four reigns, and is divided into eighteen columns.

The list begins with Timur and ends with the reigning king, Bahadur Shah, who ascended the throne in A.H. 1253 = A.D. 1837.

In the conclusion the author gives a list of the books he consulted.

A copy of the work, noticed in Rieu i, p.284, does not contain the account of the author's genealogy, etc.

The work, also called سلسله الملوك, has been lithographed at Agrah, 1840.

س. م. م.
م. م. م.
م. م. م.

146
145

Prof. No. 3826

HL. No 145
Ent. No. 595

Handwritten text in Arabic script, including a signature and several lines of text, possibly a letter or document fragment.

Handwritten word or phrase, possibly "مجلس" (Majlis).

Handwritten text, possibly a name or title, including "مجلس" (Majlis).

Handwritten text, possibly a signature or name, including "مجلس" (Majlis).

Handwritten text, possibly a signature or name, including "مجلس" (Majlis).

نصف جام محمد

۳۱۵۴

واقعه ۱۲۰۶
در شهر کاشان
در روز پنجشنبه
در ماه ذی القعدة

۳۱۵۴

از دست کف اورانده

~~توقیر محمد~~

توقیر محمد
۱۲۰۶

واقعه دوم
در شهر کاشان
در روز پنجشنبه
در ماه ذی القعدة

توقیر محمد

4

بوالعینی

بسم الله الرحمن الرحیم

از آنجا که کل مدین خیر البقاع و سبلی که پاره از آن از وقت کل گردن نهال دولت شاهان
صاحبان مافی اسکا المکتبته جنابه بحضرت شاه جهان بود موسوم است بمسئله ایات
ساجهای ایشان و در اعلافت باو شاهان عالی دور مان بود و اکثری از طریقه های
شرفیه و سهر یا سیه و غیره تحت حکومت این حکام دوی الاقدار مایه کی نسل سلاطین
فرمانروایان این افضل العباد جانندان ایشان گویاست که حلقه اطاش کونین شاهان
ریشک بسلامت و از ریزش سحاب اقصای عالمی رزرد و کوه چوین سینه صند و کنج کمان
لهذا اندیشه نارسا پیشه قسم این حرف که سید احمد خان خاص عام
زبان بر دست سرب معنی قرار یافت که محلی از حال شاهان سلف و سلطان جلیف
جدولی در قیام علم اردو که طالبان حال استقبال از ورق گردانی مسطولات است

استحسان یاننده مقاصد ضروریه را با سادگی و بیانی چون خواست اطلاق حال و الانبساط
 خاندان چغتایی در منصفیه کسری رشت تا سیدگان در صدد زور کار میگرفت تا که از آغاز
 این جدول را از اسم سادگی که می آید میسر و صاحبان حالیه اعتبار داده کام جم مرسوم تمام
 و اسم دیگران نیز ترتیب حصول ثمرات کامیاب هر یک در تحت وضع گذشته در تحقیق
 مراتب مندرج برسی بلان مایه بهر سید که تا صدها هزاره از سیاه و خیره دمان شود لفظ
 نامه بر سر و صفتی حکیمانه با هزار بار استین بچیدن و بی جبهه رسیدن سطر از زبان
 قلم نذر کاغذ میگردد و کتب تواریخ که بجهت سرانجام این جدول بهر سید فواید حاصل
 خیرینده است اینست اما طران این مختصر کمال محبت مولف لفظ کما شسته در
 این نسخه تکیکی را کار فرمایند **بسیل رسا خاورد نظر مین توصیف جناب است**
قبایض زمان صاحبان **کلیه اکتفا را در ان نه از شاخه نم دستمالین کوم که قدم بریزد**
 زبانم را به سطر طرازی مندرج از منصفه جابه و جلال بعینه چهار بار است تکلیف کا اقل
 سعدن جواهر دولت طرازی محیط کوه مرتبه سردار گویا است و خا و سطلین برادرم
 به ستایش گری آن ابا بارگاه در زیر کزنده که اشارات کوشا بر پیش مقصود
 سعادت اندیشی آ و بشا را پیش لبش فایده و لبها سرمد است طبع نکته
 طرازش با فی ایوان و قالیق و بلند بی فکر حقیقت پرورش مومنان است خالق
 بنده نگاه عود انش کمنه نگاه کردن بی تا دور و طرک سا اندیشه برود
 بشکر جناب او حسن است بجاوه ملک اقدار شل سب کیر قبیل قدر مان عرصه

۱۴۰

نزد مونسک لاله را که بید صبور دل در میان چون گشت . و لش نزاره
 انصاف است . صبا که بتی باشد از زرد او . شفق رخسیت از زرد او . فلک
 از زرد او گشت . جها که روی از خاک جلا گشت . در عرصه جلالا که پیش برستم نازد
 زرد دستیش حقیقت بقدر او میدان زشت فریدون با و قرش کاوه باقی وقت سپرد
 عساکر حضرت نوادار از دستش انصاف چهره ماه در جرم لیدی با کتان در اع کلفت از طرا
 انعام و از اصابت برای کاش در طرا کاشن زمان صری بهار عکس حل تنظام صیت
 مهابتیش از لعل و با قوت آرزو حکم خارا خون حسته و مس و همش از رنده و کوه مرده
 محیط در کوه اندخته اگر صیت شد در اطراف عالم سر نهاد پروانه و غضف در یک
 و غم و کمر در یک صحرای آرام کوفتی اگر لولو پیش در سواد جهان نیز میگردد اول فرشت
 آتش و بنه و از لاله و نسیم چراغ و باد بر سر و بگریز گشتی ز برش دست سخا
 از بنیان را از غایت انفعال در لوت بوق گفته و کس که کف کردش صفت را
 از حالت سرگون در دریا اندخته گدای در شتقارون را حسب اصا
 و استمان بوسیش ملک سلیمان با سائیه نسیم خود سکند از خاک صده
 مثنی در ضابط مایح اندخته سکندرش شهر خسته و فریدون اساکطیش
 و خیره حشا بشهره و قرش کاوه پیش بر خسته اغنی دریا نال ضایکان اگر کف
 حاتم دوران مستر را بر شت مایه ملقین صبا بهاد صبا جها که
 اکسب انور که فلک از طاعتش لندی مرید خیره لایان است و زمین را

۳۳

ح

۳

از قضیه قدر و مشایخ بر آسمان دست زنده کان و اصفش با عقده بسته نموده
بسیگان کند انفاش را مشکلی بسته شده هر جا گسار کرده است انفاش مشیت
از کج روی گردون دون طبیعت چه بکلام دارد که فریاد سپهر به جهانیشناک باشم که
امیر بگردست بگردست و در میان خوان از حد ایستاد این کیت بی نیاز با جاده و جلال
ایه الا ما و سحر خوش را و همیشه و شاد دارد و غنچه از سر و دالسیگان و انفس را از
نسیم پرورش آن دریا صید خداوند شکفته و شاداب کند **حال مولف از سال**
از آنجا که طبع روزگار قصصا آن دارد که هر چه هست در گذرد و سوسپا نامی طبعش بود
ریشه و جاها با سبک بزرگ بر قناره و چون چنین است **والله اعلم** که کتابی طبعش بود
پایه ششده و آن خانه بزرگ بر قناره را اندازه نگارند نیز میر میزبان است
پویی هم در گذرند بر آینه روزگاری را در سید که بزرگ با و کان خود فرود سینه و فرود
این کرده در نظر نا پدید کرده اگر خود خسته اگر گریه از سر او خود را گویند سنگان
کتر ما در اند و گویند را خود نما و خود مستانکا و لا جرم این بنده کترین را
ان در سر افتاد که چون ایاد اید اوم بر فریاد انفاط سلطنت رسوخا سر ما این بود
با یکدیگر بزرگان خود را درین صغیر شیارم تا یاد کاری تا و بزرگان این چنین را
آینه دار را زاننده پنهان نماید که سلسله زاده از صلیح سبحان سید شمشیر آنگاه
علیه السلام می پیوندد که چه فرودیم نسبتی است بزرگ بنده اوقاتا نام
وطن اصیل بزرگانم دارا سلطنت برات حرمین امین الله بزرگان جلال الله

فدا کربن

محمد که شاه با شاه زندگانه سلطنت کرد و بهت را بر این معنی گذاشت که
 سیادت بر کور و سره نامدار از شهر و دیار طلبیده است منصب
 جلیل بانوار زانی دار و جناب شیخ سرف الدین بهادر خدیوین نسبت این
 از ارکان سلطنت اند و از خیلی خلش با بسیار آمده بود و خست آفت از سجده و
 بند و ستان شده و از یکا خسر و بند و ستان بصورت ایلت میدید که
 بزبان انگلیزی صاحب العینده را کوز خنجر می رسانست بسیار خسته
 و از سبک دران دیار ماند بمرید که شهرت یافت دران پس احمد لیخان بهادر
 سفیقین لعینت بهات الدین محمد شایگان باو شاه لصیودار مراد آباد و مادر
 ان دیار ماند محمد دوست و خدیوین قات با برکات خود را بر کاب حضرت
 محی الدین محمد اورنگ زیب عالمگیر با شاه لیسر و زندگانه در اطراف و کهن
 و پیشتر آمد که فتح ان بر ارکان سلطنت دشوار افتاد از راه از پیشگاه
 سلطانی جناب مرصوف جهت القیاح ان مامور شدند تا بنید ایزد
 لشکر سلطانی منصور سپاه طرفه مقهور کردید و صلح ان بر بارگاه سلطانی
 کردیم باو در خطاب یافته حسب درخواست خود بصورت ایلت بهرات رسید
 یافت و جدا محمد سرکاد در عهد منیر الدین عالمگیر تانی تبارخ لوزی
 و کج بند و دو خطه مطابق ^{۴۸} السجری صلح بجناب حواد علیخان بهادر
 منصب بر ایلت و با بقصد سواران استبار بر ایلت و در عهد منیر الدین سلطانی

گوشت با سالام با شاه احمد است و یک روزی منصف سالی شده در سینه طایق
 ۱۱۸۹ هجری قمری لشکر قندهار درین زمانه بزرگان انگلیزی صاحب القندهار است
 می نامند و بیست نفر از فارس و ده دویشتی شسته در مردم قندهار می خواندند
 حیات بدیدر کواخویش از بدگاه فرودش منزل خطاب یافته وقت تیارا
 لشکر تمام لشکر کرده اند بفرمان بارگاه حضرت عرس از بدگاه کوه کوه کرده
 بزرگان هم کلان نیای دون کرده و همه عالم باقی بوده اند که این سخن می شنیدند
 و صاحب دار احمد الصادق هم فریادین از بدگاه فرود شده است و صاحب کلان
 جان بی صاحب با دستین بدین رسد اما گوید در زمانه کجای طایق
 سقیران ایران یعنی بخانه کشته شده و این شاه ایران از کورز انگلیزی
 بهم برآید گوشت کلک مستورات صاحب بهادر و خود فریدالدین احمد جان
 سفارت با ایران فرستاد لیکن چون سفارت صاحب بهادر در درون شهر
 خود فریدالدین احمد جان نهاد و سفارت و صادقان و علیان بگریه
 و شایسته حسن علی میرزا با خود می رفتند نمایان طایق شاه ایران فرود
 خلیه سفارت بخودی خود سر انجام داده بنالفت و در لندن استوار کرده
 با باده و بطن برین کینه در کفایت او که می فریاد کلان و یکی
 و شماره تخصصی از آن مقرر شده ان شماره را فراموش کرده ترک
 و بطن الوف که احسن السلطان است و او فرود در سفارت فرود
 صورتی را که شاه سراجی از شهرین بود و در اول این ملک
 در صورتی از آن در میان نهاد و در حاکم خطاب با شاه از آن در حاکم

احمد را بدو دست جهان می برادر کند و این در این شهر است که
 نایب می برادر کند و این در این شهر است که تمام شده است



میرا اول

نقشه فرما تو ایام که بدار سلطنت و سلی حلیه فرمای فرمایید بود

ردیف	نام فرمان ردا	نام مادر	قوم	سال و اوقات	محل حکم	عمر حاکم	سال حاکم	تاریخ حاکم	سلطنت	سکه
۱	امیر تیمور صاحب قران	امیر سلطان	چغانی	شعب ششم سال ۷۳۶	بلخ	۱۰ سال	روز چهارم ماه فروردین سال ۷۳۶	سلطان تیمور که مثل او شاه نبود در هند و قباویک کرد و حکم	۱۰ ماه و ۱۰ روز	یک طرف کلاه و کلاه
۲	نصرت شاه	بروستان	لودی	نهم و دهم سال ۷۳۶	ویس	۱۰ سال	ماه ربیع الاول هجرت	زود چنانچه شاه برادر نک حکم قدم داد عقل و دانش افزونی و فرسنگ داد فکران کشید هم که در وقت حلال فانگی گمانگوار است بر او رنگ داد	۱۰ ماه	سپاه از طرف آن نور و رسم را بنام
۳	اقبالخان	نظرخان	لودی	بنام محمد سال ۷۳۶	ویس	۱۰ سال	ماه صفر هجرت	ساده اقبالخان نصرت سال مار که گفت پادشاه مفضل را از غنیمت شد	۱۰ ماه چند یوم	یک طرف کلاه و کلاه

بی قره ایسی بودند از ابتدای سنه هجری نبوی صلوات الله علیه

سک	مدت عمر	سال وفات	تاریخ و بنا	لقب لیدر و تاج	مردن	کیفیت
میگفتند که در کتوف نام	موس سال ۱۱ ماه ۱۲ ایوم	۱۱۰۰	سلطان تیمور که قتل او شاه محمود در مقصد روسی و شورش آمد بر خود و در مقصد و مقصد که کرد و جنگ و در مقصد و هفت کرد عالم برود	علین بیگ	سمرقند	لقب قبل عام بره و نام از بیلی که چیده بر او رسیده تا دو ماه در بیلی بی چران ماند نصرت شاه فرصت را غنیمت شمرده و بجای تصرف شد
سار از طرف امر بجزایر در موسم باران بود	موس سال ۳ ماه ۱۹ ایوم	۱۱۰۰	نصرت پسر از او بخلیف و دیگر با سزگان بود و بعد سال از قتل آن کابک سال وفات کرد که در کتوف	ندارد	اطراف میان	از او قبالی کتب نموده که از بیعت با او سزا بر او قرار یافت
کتیوف که در کتوف نام	موس سال ۳ ماه چند ایوم	۱۱۰۰	چون شاه اقبالان فرمانده کتوفستان داد و فرستاد که در سر و سرش قرار یافت یافت جادو ساری طبعی و حضرت سازند در روز یکشنبه او در کتوف	ندارد	اطراف میان	مرضه خان حکم عثمان فرخ کشی نموده و بهای آن قبل در آمد و تلخ آن اخصیا خان با هم مستحق شده و کلا در قضاة اخصیا و شاه شسته سلطان محمود از قنوج طلعه شد و تا آمدش خود را فرمانروا ایسے کردند

فرمانی فرمایا

سکر

طہنت

یکٹ

سال
امامہ ولیم

سپاہ

مخاطب
برخیز

امامہ

زر

سکھ

کے سال
۲۰
خند ولیم

9



سک	مدت عمر	سال و قضا	تاریخ و قضا	تعلیق و قضا	مدفن	کیفیت
برجسته مسکوک ۱۲۲۰	مدت سال چند روز یا نداشت	۸۱۵ جماد الاول هجری یا نداشت	کفت اکت سال او یک سال و دو روز یا نداشت	نوار یا نداشت	نوار یا نداشت	اجداد آنکه سلطان محمود بی سید بخت سلطنت جبرین بود و خطبه نام خود ساخت
کیفیت ۱۲۰۰	مدت سال ۳ ماه ۲۱ روز	۸۱۵ ربیع الثانی هجری	زود کوفت از یک سلطان محمود اعظم درین جا و شد از فرزند ثالث لغیر و الم شده و کوفت سازالم و در زمین روزان	نوار	اول	برای کار بطون کیتل زود و وقت رحمت برو لجان که به او روایت کرده با شاه بسکه خطبه اش روز مرتبه و نیست
کیفیت ۱۲۰۰	مدت سال ۲ ماه چند روز	۸۱۵ جماد الاول هجری	ره چوایت خان جنت الما و کوفت عالی از دو هم صد ساله از جبرین سخت کردیم تا که ما یکی کفت اکت سال او یک سال و دو روز	نوار	خطبه و قضا	در جنگ سخا خان افتاد و قتل و باو شاهی خضر خان باست
کیفیت ۱۲۰۰	مدت سال ۲ ماه ۴ روز	۸۱۵ ربیع الثانی هجری	چون رحمت اجماع خندان سخت طرخان بنام او از جبرین سخت کردیم تا که ما یکی در دارنران روزان و قضا	نوار	جواد	برص است با کرده و کوفت و اکتفا و رحمت بر روی او نام و چون خضر خان سکا از سلطان خود خسته نکرا خطبه اش

۹

لبرسوم

۷

۱۱
۹
لیچام

شماره	نام فرمانروا	نام پدر	نام مادر	قوم	سال ولادت	محل تولد	عمر حیات	سال جلوس	تاریخ جلوس	مدت سلطنت	سکه
۱۲	نظام خان سلطان سکنده	سلطان باقر	سپاه قزاق	لودی	۹۳۰	هندوکی	۳۰ سال	۹۳۰	۲۰ اردیبهشت	۳۰ سال	۳۰ سکه
۱۳	سلطان اسیر	سکنده شاه	یاغوشه	لودی	۹۳۰	هندوکی	۳۰ سال	۹۳۰	۲۰ اردیبهشت	۳۰ سال	۳۰ سکه
۱۴	نورالدین محمد شاه	عمر شایخ	میرزا	چتایی	۹۳۰	هندوکی	۳۰ سال	۹۳۰	۲۰ اردیبهشت	۳۰ سال	۳۰ سکه
۱۵	مرتضی اول	محمد علی	میرزا	چتایی	۹۳۰	هندوکی	۳۰ سال	۹۳۰	۲۰ اردیبهشت	۳۰ سال	۳۰ سکه

کلیف کل

کلیف کل

کلیف کل

کلیف کل

قسم از تاریخ جلوس این شاه به لا علم تمام

چون از دست اسیر گردید و چیرا او محاربه

نورالدین محمد شاه با برکت دولت و بهرام

محمد علی بن محمد علی بن محمد علی بن محمد علی

سکه	مدت عمر سال و وقت	تاریخ وفات	لقب بعد وفات	مدفن	کیفیت
سکه	سال ۹۳۰ ماه ۴ چهارم	چو کرد حضرت عالم نظام خان سلطان ز جان تنگ جهانی فزاد و زاریه شده جهان بشیر و چشم برکش از بر کس ز حال عالم کفنا سر و شس باریه شده این تاریخ از قدما نیست طبعاً و جناب لوی امام محمد باقر کرو و سلطان بر اسم کوچ مقیم شهرت این سرای حسب اول تقویم الهی سال وفات شده که در آن گفت کرد حضرت ولایه پاک یافته سلطان بر اسم جای	مدارو	دیس	در زمان شاهی خود علم فارسی بنده رواج داده که حال موجود از بعضی متباکر و مندرک پیشش ماوشاسی تیه
سکه	سال ۹۳۳ ماه ۸ چهارم	پادشاه و پسر پادشاه عادل و داد واقف اسرار عالم مصدر لطفت سال جان او گردیدن جانی فرودست کج جانی فرودست این کعبه و پادشاه	مدارو	پانی پت	در سواد پانی پت از بلاد لرستان و سایر بلاد شاهان پانی پت با بده متقابل بوده و حکایت شده سلطنت شاهان پانی پت کورگانه متقل شده
سکه	سال ۹۳۷ ماه ۹	پادشاه و پسر پادشاه عادل و داد واقف اسرار عالم مصدر لطفت سال جان او گردیدن جانی فرودست کج جانی فرودست این کعبه و پادشاه	مدارو	پانی پت	در چهار باغ اگر پادشاه و پانی پت و پیشش ماوشاه شده
سکه	سال ۹۳۷ ماه ۹	پادشاه و پسر پادشاه عادل و داد واقف اسرار عالم مصدر لطفت سال جان او گردیدن جانی فرودست کج جانی فرودست این کعبه و پادشاه	مدارو	پانی پت	آن متقابل پادشاه نیارده بل پسر پادشاه طه است الی ایران و پادشاه پادشاه نام داشت که تقصیر محبت از دم خاک یک ایران را انوار بخشید و پادشاه این پادشاه فرودست اوج سعادت بدام نام اگر که کردی و پادشاه ما افتد لغز و پادشاه پادشاه دور ماه سوال پیشه و در سبلی مسرت شده

اول در باغ زلف
واقف سواد الکلیه
که از سواد کلبه
برام باغ شهرت
پادشاه پانی پت
شاهه لیدر
فکال برده قوت کرده

باید

17

ردیف	نام فرمانروا	نام پدر	نام مادر	قوم	سال ولادت	محل ولادت	عمر جلوس	سال حاکم	تاریخ جلوس	مدت سلطنت	سکه
۱۷	شاهزاده محمد حسن	حسن	یاقوتش	افغان	ماه جمادی اول سنه ۹۳۹	سوادکجه	سال چند یوم	سنه ۹۳۹	شاهزاده شاهرخ قوت کس از فرزند عالی درود بنده و زینت سلطنت شاهان جهان علی بن ابی طالب تاریخ جلوس کوفت و آن روز زیر او یک سلطنت افزوده	دو سال در دلی طی سال ۳ ماه ۱۰ یوم	کیطوف کلک
۱۸	اسلام شاه شاهرخ	شاهزاده	بی بی گام	افغان	صفر سنه ۹۳۳	زیر قلعه پنج	سال ۵۶ ماه	سنه ۹۳۳	سلطان امیر شاه شاهرخ کس غلام و عهد محمد رسول بر تخت نشست و از اوصیای پادشاهان سابق است تاریخ جلوس سوادکجه در سنه ۹۳۳ سالان جلوس سه هجرت مالد است	سه سال ۳ ماه ۸ یوم	کیطوف کلک و کیطوف نام
۱۹	قیروز خان	اسلام شاه	بی بی مینه	افغان	رمح سنه ۹۳۹	سوادکجه	سال چند یوم	سنه ۹۳۹	چون قیروز خان با سکه کس غلام در ولایت بود و در سنه ۹۳۹ در سنه ۹۳۹ سالان جلوس ختن کردم رقم با دوش یافت و در اقبالیها	سه یوم	کجه سکه و سکه و سکه
۱۹	محمد عادل شاه مبارز خان	نظام خان	یاقوتش	افغان	شعبان سنه ۹۳۱	سوادکجه	دو سال چند یوم	سنه ۹۳۱	جاریه مبارز خان که شد در سنه ۹۳۱ اول سنه مبارز خان کس غلام و در سنه ۹۳۱ سال تاریخ ولوس کس غلام با دوش شد مبارز خان	۱۱ ماه ۷ یوم	سکه و سکه و سکه

سک	مرکز	سال	تاریخ و وقایع	تاریخ و وقایع	کیفیت
وکیفیت نام	ده از دوم سال اول سه و سیست چهارم	شش سال از شاه او شیر و نواب را هم بخورد چون و نواب کشت تاریخ او را	ندارد	سپهرام	بجایه قلعه کاخ خورشید و سایر قلعه ها از قزوین قلمی می شد اتفاقا که میضه بد بود از ضرب ده سکست و اشش در قله های کوه فراوانند در آن شهر شد در حالت هم سیاه را می از سخت میدادند مگر تا که قلعه فتح شد همان روز جان بخت سلیم کرد و پیشش را پیش یافت قلعه شکسته بنامی این باو شاه یاد کار است
سوار سوار اصی کلیم	مست سال سه ماه چندیم	سلطان شاهان ارام در بریا و خورشید با سلطان استیم و اول بودم که سال تاریخ او را که حاجت	ندارد	سپهرام	وفات یافت در حبسش فرزند خان که فرزند او بود پادشاه شد یک قلعه خود متصل قلعه میزبان در آن سوار و همی بر لب دریا المخره لیکه بنا می این پادشاه تا حال موجود بود از آن قلعه سازان چند بار دیگر در سبلی شد و شاه جهان قلعه در سبلی بناخت نام آن قلعه نور یکده شده الحال مردان سلطان با لکه کوه شهران یکم کرده میگویند
بهر کوه اول در سید	مست سال چندیم	نزدت از قزوین که می کرد نیز ملال که بیان چند کفایت سال تا شرف جوانک شده شاه بجا جواب	ندارد	یافته نشد	بسیار از خان برابر مادرش لقب خانی از قزوین پادشاه شده
و سوار لیکه در جاسک سکندر لیکه در بیت کوه با شادگان	یافته نشد	این تاریخ در جایی منظر قسم میاید	ندارد	یافته نشد	بسیار از خان برابر مادرش لقب خانی از قزوین پادشاه شده سکندر لیکه در بیت کوه با شادگان ساخته

۱۵
والمشتم

ردیف	نام فرمانروا	نام پدر	نام مادر	قوم	سال ولادت	محل ولادت	عمر ولادت	سال ولادت	تاریخ ولادت	مدت سلطنت	سکه
۲۰	سلطان ابراهیم	یافته نشه	یافته نشه	افغان	۹۱۳	دیسله	۱۰ سال	۹۶۳	اول جمادی الاول ۹۶۳ هجری سال تاریخ جلوس ابراهیم روز و کایه سلطنت	۲۳ ماه ۲۳ روز	سکه کبک این باد
۲۱	سکه شاه احمد	حسین	یافته نشه	افغان	۹۱۳	بیابان	۱۰ سال	۹۶۳	اول جمادی الاول ۹۶۳ هجری قسم تاریخ جلوس این شاه یافته نشه در دیوبند	۲۳ ماه ۲۳ روز	سکه کبک این باد
۲۲	مرتبه و نیم سلطان محمد باور شاه	بابر شاه	ماتم بکم	چقایی	۹۱۳	دیسله	۱۰ سال	۹۶۳	رمضان ۹۶۳ هجری قسم تاریخ جلوس این شاه یافته نشه	۲۳ ماه ۲۳ روز	سکه کبک این باد
۲۳	ابوالفتح محمد محمد الکبیر شاه	بابر شاه	حمیده بانو	چقایی	۹۱۳	کابل	۱۰ سال	۹۶۳	دویم ربیع الثانی ۹۶۳ هجری افغان شاه یافته نشه نیشخت سلطنت الکبیر تاریخ جلوس حضرت الکبیر	۲۳ ماه ۲۳ روز	سکه کبک این باد



شماره	نام فرمان	نام پیر	نام نادر	قوم	سال ولادت	محل تولد	عمر حدیث	سال حدیث	تاریخ حدیث	مدت سلطنت
۳۳	ابوالفضل نورالدین محمد جهانگیر شاه	اکبر شاه	صیدیه جهانگیر	چغتای	روز چهارشنبه بقعده نم اول ۱۵۵۶ هجری	استقلال اکبر آباد	۳۴ سال ۲۴ یوم	۳۴ سال ۲۴ یوم	سکونت در این تاریخ از کشفی است شاه جهان در وقت گفت فرزند عالم فرزند گفت خرد سال حدیث ۱۰۰۰ شاه جهانگیر نصیب پیر	۸ ماه ۱۳ یوم
۳۵	سلطان درویش عرف میرزا	شاهزاده سلطان خسرو	یاخته نشد	چغتای	واقع شد ۱۵۵۶ هجری	راجپوت	۳۴ سال ۳ ماه	۳۴ سال ۳ ماه	چونکه سلطان در وقت جان خرد شد بوالا برفی که سر دروم لبان خرد تاریخ گفتا نخت با	۳ ماه چند یوم
۳۶	شهاب الدین محمد شاه جهان	جهانگیر شاه	نور محمد پیر صیدیه جهانگیر راجه جوده پور	چغتای	یکشنبه نیم یکم ۱۵۵۶ هجری	لاهور	۳۴ سال ۶ یوم	۳۴ سال ۶ یوم	پادشاه دانه شاهین خرم و داکران باشد حکم او بر جلال عالم همچو حکم قضا روان باشد در جهان با و با جهان باشد	۳ ماه ۲۲ یوم
۳۷	ابوالفضل محمد علی که در وقت عالم بود	شاه جهان پیر	ارجنده نادر کیم طالب مبتدا محل	چغتای	یکشنبه نیم یکم ۱۵۵۶ هجری	اعراب	۱۱ ماه ۲۰ یوم	۱۱ سال ۲۰ یوم	اطیو الله الطیو الرسول اولی امرکم	۱۱ سال ۲۰ یوم

اول کلید
رومی
در وقت
۱۳ یوم
صند

کلید

کلید

شاه

سکه	مدت	سال تا	تاریخ وقت	تعلق وقت	مقرن	کیفیت
سکه اول ساخت نوری سکه کتیف سکه نوری سکه نوری سکه نوری	مدت سال ماه ایوم	سال ماه ایوم	شنبه جهانگیر چون اولی محمد ازین تم سراج چرخ و کمان خود کتفا جهانگیر	تعلق وقت جنت سلطان تعلق وقت تعلق وقت	تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت	این سکهها تعلق وقت اورازدکن بادشاه کرده خواهد شد
سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف	مدت سال ماه چندیم	سال ماه چندیم	شبه جهانگیر چرخ و کمان سکه کتیف سکه کتیف	تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت	تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت	اخلاص تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت
سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف	مدت سال ماه ایوم	سال ماه ایوم	سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف	تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت	تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت	سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف
سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف	مدت سال ماه ایوم	سال ماه ایوم	سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف	تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت	تعلق وقت تعلق وقت تعلق وقت	سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف سکه کتیف

19
13
المبرور

ردیف	نام فرمان	نام پدر	نام مادر	قوم	سال زاد	محل ولادت	عمر ولادت	سال ولادت	تاریخ ولادت	مدت سلطنت
۲۸	محمد معظم الملک نظام عالم شاه	دورگیر علی کبیر شاه	قواب با	چتایی	۱۰۵۳ سلطان محمد بهرست	لاهور	۵ سال ماه	غزه دی الحجه ۱۴ ذی الحجه	نشست چون پسر جهان رسیده دولت ز عالم بالا منظر فکر آورد سر برین بگفت سال جلوسش نظام مکرولا	۵ سال یک سال ماه اکتبر
۲۹	محمد معظم الملک شاهزاده خواجه رفیع الملک	محمد معظم الملک	نظام با	چتایی	دوم سلطان شاهزاده یاورد سازند	سلطان دارا	۳ سال ماه ۲۰ بدریا مطلاند	رقم این تاریخ جلوس ۲۳ ذی الحجه ۲۳ ذی الحجه	فصلی که تاریخ جلوس مطلبت تعیین نشده باشد	یک سال یک ماه مسکوک
۳۰	محمد معظم الملک شاهزاده رفیع الملک	محمد معظم الملک	نظام با	چتایی	یاورد سازند	سلطان دارا	۳ سال ماه ۲۰ بدریا مطلاند	رقم این تاریخ ۲۳ ذی الحجه ۲۳ ذی الحجه	فصلی که تاریخ جلوس مطلبت تعیین نشده باشد	۳۱ روز میدوم نوبت
۳۱	محمد معظم الملک شاهزاده رفیع الملک	محمد معظم الملک	نظام با	چتایی	یاورد سازند	سلطان دارا	۳ سال ماه ۲۰ بدریا مطلاند	رقم این تاریخ ۲۳ ذی الحجه ۲۳ ذی الحجه	فصلی که تاریخ جلوس مطلبت تعیین نشده باشد	۳۱ روز میدوم نوبت

کتاب	مدت عمر	سال وفات	تاریخ وفات	تعلیم و فاضل	کیفیت
اورده اند سیکس طرف سیت اکبری	در اوایل سلطنت بکلیف نکرو سکه خود تفرشته بود و چون کت شد و به دیگران قسم را این	موسال ماه ۶	در وفاتش بی سربینی پاشیده فیض و فضل و نور لطیف و اکرم	مردی محترم و ارج برادر خلیفه کردید	اجتهاد داشت و بعد از آن در امر خلافت نظامت صبر و عبادت بهمان طرف خود را با حسبته آخر و برقع این باب هم بر این کردید
بسیار مسکک	تاریخ سلطنت کت شده باشد	موسال ماه ۳ معلوم نشد موسال ماه ۳	رستم تاریخ وفات سکه	ندارد	در جنگ بر عظیم این فتوح یافتند محمد بن علی شانه زاده حجت کناره کرده نظر بر انجام هر دو را گماشت
سید ام نوبت	نوبت تبریز سکه سیده باشد	معلوم نشد	قسم این تاریخ لا علم باشد	ندارد	در جنگ محمد بن علی مقتول در مدینه
فقیر سکه	سکه در یافت باشد	معلوم نشد	قسم این تاریخ لا علم باشد	ندارد	در جنگ که با محمد بن علی مقتول شد و محمد بن علی مقتول شد

۲۱
۲
لبنان

لسه	نام فرمان	نام پدر	نام مادر	قوم	سال ولادت	محل ولادت	عمر حیات	سال حیات	تاریخ حیات	سلطنت	سکه
۲۲	محمد بن عبدالعزیز	محمد بن عبدالمطلب	اطعام بنی	حجازی	روز شنبه ۱۲ رمضان ۵۷۰ هجری	لاهور	۱۰ سال	۵۰ سال	قسم تاریخ حیات این پادشاه در سن ۲۳ روز شنبه ۱۲ رمضان ۵۷۰ هجری	۶۹ ماه ۲۳ روز	نزد سکر در کابل جہاندرت
۲۳	جلال الدین محمد خوارزمشاه	عظیم الدین محمد بن محمد بن طغتم	یافتند	حجازی	روز شنبه ۱۲ رمضان ۵۷۰ هجری	دی	۱۰ سال	۵۰ سال	شاه فرخیز که اول آفتاب سبک است گفت تا آنکه سال سلطنت آفتاب کمال سلطنت است	۳ سال ۳ ماه چند روز	سکر در افضل فرخ سیرگ
۲۴	محمد بن ابوالکاسم سلطان بن ابوالکاسم	رفیع الدین محمد بن محمد بن طغتم	نور الدین ابوالکاسم	حجازی	۱۰ رمضان ۵۷۰ هجری	دی	۱۰ سال	۱۰ سال	بنیخت چون رفیع الدرجات کوی بر تختش کشید از عفت بر تختش چو پدید آمد شکوه تاریخ آمد لقب رفیع الدرجات	۳ ماه ۱۱ روز	محمد ابوالکاسم سلطان بن ابوالکاسم
۲۵	شمس الدین رفیع الدین شایبجان پادشاه	رفیع الدین محمد بن محمد بن طغتم	نور الدین ابوالکاسم	حجازی	۱۳ رمضان ۵۷۰ هجری	دی	۱۰ سال	۱۰ سال	قسم تاریخ این پادشاه در سن ۲۳	۳ ماه ۲۴ روز	شمس الدین محمد شایبجان



لبر	نام فرمان	نام ملوک	تاریخ ماز	قوم	سال ولادت	محل ولادت	عمر ولادت	سال ولادت	تاریخ ولادت	سلطنت
۳۶	روشن اختر قلی به ابوالفتح محمد بادشاه	خجسته جهان شاه محمد معظم به بهادر شاه	معلوم شد	چتای	دو ششم ربیع الاول ۱۱۳۱	ویس	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	تاریخ ولادت کوه آند فرغ تحت زانام مالوش درین بودم که گویم نظم تاریخش که از سیر اریجی جا به دولت آمدن تاریخش	اول بر روی بر روی صاحبان
۳۷	سلطان علی بریم بن محمد معظم ملک بهادر شاه	پسر پسر بن محمد معظم ملک بهادر شاه	فرد النسیام	چتای	دو ششم ربیع الاول ۱۱۳۱	ویس	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	تاریخ ولادت کتابی است که چشم شد	کتابی است کتابی است
۳۸	روشن اختر قلی به ابوالفتح محمد بادشاه	خجسته جهان شاه محمد معظم به بهادر شاه	معلوم شد	چتای	دو ششم ربیع الاول ۱۱۳۱	شیرکوه	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	قطعه تاریخ تسلط الفتح بر سلطان ابراهیم در کتابی کتاب بنظر رسید	اول بر روی بر روی صاحبان
۳۹	محمد بن محمد محمد شاه	محمد شاه	اویم باقی مخالفت تمام	چتای	دو ششم ربیع الاول ۱۱۳۱	پایت	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	۳۱ سال ۷ ماه ۲۱ روز	چنانچه خواست خرد سال جلوس شد سیر سلطنت افرو و جلوه	کلیف کل کلیف کل

مرت عمر	سال وفات	تاریخ وفات	لقب اجداد	مدفن	کفیت
موتی سال یک ماه یک یوم	بست بیستم ماه ربیع الثانی سال ۶۱۰ هجری	چهارم تاب جهان جنگی فرود گرفت چون که بجاده فرودس ازین سرای سنج سرود تا غیبی که کوکبخت رفت	فرودس ازین سرای سنج	درگاه حضرت سلطان المشایخ واقع سرداده	عبدالکریم شکران پسر پادشاه کردید نواب حسین علی خان را همراه گرفته سر بر طاق الملک سمت در کتب حضرت فرود میر حیدر خان بهرامی محمد بن علیان بهادر و جنگ شاه شان نواب حسین علی خان را بفرست کار و هلاک ساخت خون از غیب لایق برادرش که در غیبی بود رسید و سلطان ابراهیم را اجدادش را آورده پادشاه و برادران اتمام رسیده این نوابان به حضرت نمودند
معلوم نشد	بدین ماه	در کتابی تاریخ وفات ندیدم	ندارد	معلوم نشد	فرودس شکریده با امرای محمد شاه مقابل شد و علی سلطان سید محمد ازین کردید و با سلطان محمد شاه بر ویست شد
موتی سال یک ماه یک یوم	بست بیستم ماه ربیع الثانی سال ۶۱۰ هجری	شش هک چشم روت ازین سرای سنج چهارم تاب جهان جنگی فرود گرفت چون که بجاده فرودس ازین سرای سنج سرود تا غیبی که کوکبخت رفت	فرودس ازین سرای سنج	درگاه حضرت سلطان المشایخ واقع سرداده	عبدالکریم شکران پسر پادشاه کردید نواب حسین علی خان را همراه گرفته سر بر طاق الملک سمت در کتب حضرت فرود میر حیدر خان بهرامی محمد بن علیان بهادر و جنگ شاه شان نواب حسین علی خان را بفرست کار و هلاک ساخت خون از غیب لایق برادرش که در غیبی بود رسید و سلطان ابراهیم را اجدادش را آورده پادشاه و برادران اتمام رسیده این نوابان به حضرت نمودند
رویشند دوم سال ۳ ماه ۱۳ یوم	ربیع الثانی سال ۶۱۰ هجری	براست چون که بدین وقت زندگی هر کس در سنگ نمکان خویش رفت تاقت بر سال وفاتش که ناکبخت سال وفات سال وفات ای بابی گفت	خلدایرگاه	درگاه حضرت سلطان المشایخ واقع سرداده	وفات یافت و مشیت از وی محمد زین الدین بر تخت نشست تاریخ در کتب معلوم بود که شکران پسر پادشاه محمد شاه چون که بدین وقت زندگی

بر روی
پادشاه
محمد شاه
عبدالکریم
شکران

کلیف کل و کلیف نام اجداد
محمد شاه پادشاه غازی

کلیف کل و کلیف نام اجداد
محمد شاه پادشاه غازی

کلیف کل و کلیف نام اجداد
محمد شاه پادشاه غازی

۲۵

۶

میرزا محمد

ردیف	نام فرمان	نام پدر	نام مادر	قوم	سال ولادت	محل جلوس	عمر جلوس	سال جلوس	تاریخ جلوس	مدت سلطنت	سکه
۱	غیرالدین علی میرزا باوشاه عاقبتی	شاه جهان	لوپ با	پنجاب	۱۰۹۹	شاه ماروی	چند روز	سال	شاه والاراد علی میرزا	۳ ماه	و کله
۲	ابوالفضل جلال الدین سلطان علی کور شاه عالم باوشاه	غیرالدین علی میرزا	نی نینی	پنجاب	۱۱۰۰	الراکب	۵ ماه	سال	قسم بلایین تاریخ بدریافت شد	۳ ماه	سکه سرسخت کشتی
۳	ابوالفضل میرزا محمد اکبر شاه باوشاه	شاه عالم باوشاه	سارک محل	پنجاب	۱۱۰۱	ییل	یک روز	سال	وقت جلوس در روز نهم رمضان	۳۱ روز	سارک شاه خا
۴	ابوالفضل میرزا محمد باوشاه	لال بی	لال بی	پنجاب	۱۱۰۲	سلطنت	۱۰ ماه	سال	تاریخ جلوس آن شد و لال آمد طلب جزو چنانچه	۳۱ روز	سکه سرسخت کشتی

در روز اول ماه جمادی الاول سال ۱۱۰۲
 در روز اول ماه جمادی الاول سال ۱۱۰۲
 در روز اول ماه جمادی الاول سال ۱۱۰۲
 در روز اول ماه جمادی الاول سال ۱۱۰۲

سکه	مرگ عمر	سال وفات	تاریخ وفات	لقب و دولت	کیفیت
دکیفوت نامی	میسال چند ماه چند روز	۳۷۰ سال	شاه عالی و نجیب این کشت بود در جوار حضرت گفت آن چو حضرت داد عرض کن ای میرزا	عزیز منزل نصیر الملکین و واقع سردار	حسب اشارت عماد الملک دست تالی ما شران به سیدی خلیجان شهادت رسید و پیشش با و شاه شد که
سرفقت کشور یا فضل الله شاه عالم با و شاه کیفوت است	۱۰ سال ۹ ماه ۱۰ روز	۳۷۰ سال	طبر و جناب بودی ام بخش صاحب حضرت فرود منزل شاه عالم شاه رفت این دار فرود و رفت تمام سال تاریخ وفات ان شهید علی دل رسیده که گفتا بهفتم شه صیام طبع نادر استم اتم	فرود منزل عزیز منزل واقع سردار	این جهان را پدید و نمود و پیشش با و شاه شد که
سارک شاه جهان بی بی شاه با و	۱۰ سال ۹ ماه ۱۰ روز	۳۷۰ سال	جمعه در شب چون رفت از جهان کبر شبهه سال در جوار پایه سارک و گفت سال تاریخ او کبر	درگاه حضرت قلب الاطمان واقع سردار	مبض استقامت کبر و در گذشت و با و پیش قراریافت که

لاکه با و شاه که سن و روزشانی برسد به لاکه یک مجال که در کوفه است و صاحب کابینه بود و یک روز در
 بی بی عالم شاه که در روز سه شنبه در کوفه است و او در کوفه است و در کوفه است و در کوفه است و در کوفه است
 باغات که در کوفه است و در کوفه است و در کوفه است و در کوفه است و در کوفه است و در کوفه است
 حضرت طلسمی را در راه و در راه است و در راه است و در راه است و در راه است و در راه است
 در راه است و در راه است و در راه است و در راه است و در راه است و در راه است
 در راه است و در راه است و در راه است و در راه است و در راه است و در راه است

۱۷

تاریخ آنجا که ترقی و پیشرفت و سعادت در آن آید و در آن ایام که نمایانگر جوهر است و در آن وقت
 کارهای بسیار می‌گردد و هر چه می‌نشیند تا آنکه چون چندی در آن ایام سلطنت در آن
 سینه‌باز و در آنجا هسته و گوشه عاقبت که عبارت از کلام خزان است تا من بر آن خط و کتابت
 پر خسته و مصروف و در آن وقت که فتنه و آشوب و کشتار و آزار و کرب و غم و اندوه
 بر وجود حیده در آن ایام صحنه و خیره ختم تا آری از آن پس از آن زمان که از مطالب آن
 بهر شاه ازین کوره محلی و ازین زره آفتاب حاصل نماید و از آن محیط سرآمد که در صفای آن
 زره آفتاب و سگانه در آنجا فیه است که خالصه آن لقب کنیزان و در آن
 مایه اعتبار این سیاق است از آنجا که در آن اعتبار و لطف را اساس بنسبت و در آن
 قسم را بنیاد گذارند **تاریخ فرشته** تاریخ فرشته تصنیف مولانا غفر
 تاریخ آقا محمد تقی بر حال سلطان بهلول و شیخیه و غیره تصنیف حسین خان افغان
 منظوم تاریخ عالمگیری تیموریه تاریخ باری که به تاریخ اکبری طبقات اکبری
 اکبریه اقبالنامه جهانگیری که چهار کلشن هم شهرت دارد از آنجا که تاریخ
 محمد بهیه تاریخ تصنیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی قدس سره و جهانگیریه
 تاریخ سکندر خلاصه التواریخ تاریخ علی محمد باونی مسوده تاریخ مصیبه جناب صاحب
 مولوی محمد حلیل السرخان بهادر مرحوم صدرین خیر البلاد شاه جهان آباد نور السرخان
 شجره مولفه جناب عبدالسرخان مرحوم طاب سرا که در ضمن آن بزرگوار جمیع انبیا
 و اولیا و پادشاهان که ظهور حضرت آدم علی نبیا و علیه السلام تا این دم در آن

نامدار بود و در آن شهر و اکثری از تاریخ های جلوس و وفات باو شاهان
 و ستم از حال آنها مندرج است و غذاه آن بوده تا که بعضی مردم تقاه بطور انحصار
 فرموده بودند و در بعضی از اینها شام منقریب است و اینهم همه منوم تا که در
 مدت شش ماه است هر روز که در صفر المظفر است که در مطابق است بسم ماهی
 بود در تحریر این نسخه فرستاده حاصل شد قبول طبع در کتب کتب سینه باو تاجی الیه دارالاجاب
 و معاتب برین العباد و قطعه تاریخی که سر و جویدار محمد علی کلستان سمانا که در محوطه
 شیرین کلاهی است لعل شایران شیرازی که در میزاجات علی یک مکتوب
 و کاسین می در کتب خانه مجری منفرموده اند **تاریخ** یافت مرکز این شهر جام نام
 نام لغزیم سائل گوشت مضطر **بسم** هر دو قسم از تاریخ و اکثر آید
 ایند کشته جام دست نگردد فقط خاتم لغزیم جام تاریخ فرستادم رمضان

تاریخ تجریب
 تمام شد
 ۱۱۱۱



سید علی
۱۹-۷-۱۱